و [ما] نشانه‌اى به ایشان نمى‌نمودیم مگر اینکه آن از نظیر [و مشابه‌] آن بزرگتر بود، و به عذاب گرفتارشان کردیم تا مگر به راه آیند. (48) و گفتند: «اى فسونگر، پروردگارت را به [پاس‌] آنچه با تو عهد کرده، براى ما بخوان، که ما واقعاً به راه درست درآمده‌ایم.» (49) و چون عذاب را از آنها برداشتیم، بناگاه آنان پیمان شکستند. (50) و فرعون در [میان‌] قوم خود ندا درداد [و] گفت: «اى مردم [کشور] من، آیا پادشاهى مصر و این نهرها که از زیر [کاخهاى‌] من روان است از آنِ من نیست؟ پس مگر نمى‌بینید؟ (51) آیا [نه‌] من از این کس که خود بى‌مقدار است و نمى‌تواند درست بیان کند بهترم؟ (52) پس چرا بر او دستبندهایى زرین آویخته نشده؟ یا با او فرشتگانى همراه نیامده‌اند؟ (53) پس قوم خود را سبک‌مغز یافت [و آنان را فریفت‌] و اطاعتش کردند، چرا که آنها مردمى منحرف بودند. (54) و چون ما را به خشم درآوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم. (55) و آنان را پیشینه‌اى [بد] و عبرتى براى آیندگان گردانیدیم. (56) و هنگامى که [در مورد] پسر مریم مثالى آورده شد، بناگاه قوم تو از آن [سخن‌] هِلهِله درانداختند [و اعراض کردند]، (57) و گفتند: «آیا معبودان ما بهترند یا او؟» آن [مثال‌] را جز از راه جدل براى تو نزدند، بلکه آنان مردمى جدل‌پیشه‌اند. (58) [عیسى‌] جز بنده‌اى که بر وى منت نهاده و او را براى فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتى‌] گردانیده‌ایم نیست. (59) و اگر بخواهیم قطعاً به جاى شما فرشتگانى که در [روى‌] زمین جانشین [شما] گردند قرار دهیم. (60)